



## **A review of the novel rubā'ī attributed to Hazin Lahiji in the Dastgiri Rules**

**\*Tahereh Mirzaei**

### **Abstract:**

Readout and revision manuscripts, in addition to enriching the rich treasure of Persian science and literature, is very effective in examining the hidden corners of the biography and poetry of some poets, and the necessity of revision some book of poems. The “book of Dastgiri Rules” is a valuable handwritten work in the field of Persian syntax and rhetoric related to the Indian subcontinent, which was written to teach Persian grammar to non-Persian speakers of India, and it is of particular importance in terms of citing many poetic evidences from different poets. There is few Persian or Indian or Persian poets who are not mentioned in the Dastgiri rules a verse as a witness. Some of the verses mentioned in this manuscript are not available in the poet's book, or they are presented with a different recording. Among them, there is a rubā'ī attributed to Hazin Lahiji, which was not found in two revisions of Hazin's poetry by Bijan Taraghi and Zabihullah Sahibkar, but it is cited in Indian resources as a famous rubā'ī by Hazin. What will come in this article is the introduction of this rubā'ī as a Hazin poem based on written evidence and its different recording in the book of Dastgiri Rules.

### **Keywords:**

Literature of the Subcontinent ,Dastgiri Rules, novel poems, Ghulam Dastagir, Hazin Lahiji

## بررسی رباعی نویافته منسوب به حزین لاهیجی در کتاب قوانین دستگیری

\*طاهره میرزایی

### چکیده:

بازخوانی و تصحیح نسخه های خطی علاوه بر غنی ساختن گنجینه پر بار علم و ادب فارسی در بررسی زوایای پنهان زندگی و شعر برخی شاعران بسیار مؤثر افتاده است و ضرورت تصحیح دوباره برخی دیوانهای شعری را ایجاب می کند. کتاب «قوانین دستگیری» متنی دستنویس مربوط به شبه قاره هند است که برای آموزش دستور زبان فارسی به غیر فارسی زبانان هندی نگارش یافته و به لحاظ ذکر شواهد شعری فراوان از شاعران مختلف، اهمیت ویژه دارد. کمتر شاعر فارسی گوی ایرانی و هندی است که در قوانین دستگیری بیتی به عنوان شاهد مثال دستوری از او ذکر نشده باشد. برخی از ابیات مذکور در این نسخه خطی در دیوان شاعر آن موجود نیست و یا با ضبطی دیگرگونه ارائه شده است. از آن جمله، رباعی منسوب به حزین لاهیجی است که در دو تصحیح صورت گرفته از شعر حزین توسط بیژن ترقی و ذبیح الله صاحبکار نیامده است ولی در منابع هندی به عنوان یک رباعی مشهور از حزین بدان استناد شده است. آنچه در این مقاله خواهد آمد معرفی این رباعی به عنوان سروده حزین بر اساس شواهد مکتوب و ضبط متفاوت آن در کتاب قوانین دستگیری است.

### واژه های کلیدی:

ادب شبه قاره، قوانین دستگیری، سروده های نویافته، غلام دستگیر، حزین لاهیجی

## 1. مقدمه

«قوانین دستگیری» نسخه خطی منحصر به فرد و بسیار ارزشمندی از منابع دستور زبان فارسی شبه قاره است که به خط مؤلف در سال 1265 ق در حیدرآباد دکن، نوشته شده است و به شماره 2085 در کتابخانه گنج بخش پاکستان نگهداری می شود. موضوع اصلی جلد اول «قوانین دستگیری» دستور زبان فارسی است اما علاوه بر این موضوعات دیگری چون مباحث معانی بیان، عروض و قافیه، حروف شناسی، صفات و معانی حروف و تبدیلات حروف به یکدیگر، مسائل مربوط به علم نحو، الفاظ متتابع، تعریب و تفریس و تهنید کلمات، و حتی موضوعات تاریخ ادبیات نظیر اولین شاعر پارسی گو و تاریخ زبان پارسی و همچنین شرح حال پیامبران و طول عمر ایشان و درباره قوم بنی نائط و مسایل مربوط به جغرافیا مثل تحدید زمین و اطلاق پارس بر ملک ایران و معنی عراق، اسامی مخصوص پادشاهان در ممالک مختلف، اسامی خداوند که در فارسی بیان شده است مقدرات و محذوفات؛ یعنی کلمات و عباراتی که تقدیراً در بیان محاوره به کار می روند و مقدار فاصله زمانی بین حضرت آدم و خاتم النبیین، ذکر اثلاث و رباع قرآن کریم و .... هم بیان شده است.

بهره گیری از شعر و ادبیات به عنوان شاهد مثال یکی از سنتهای پسندیده دستورنویسی است و «دستور را که نوعاً علمی خشک است طراوت بخشیده و آن را تر و تازه می کند» (فرشیدورد، 1382: 66) البته بسیاری از صاحب نظران بر این امر خرده می گیرند و بر این باورند که نظم و نثر از نظر ساخت دستوری دو گونه متفاوت زبان فارسی هستند که نمی توان از یکی (شعر) برای دیگری (ساختمان نثر دستور) شاهد آورد همچنین بسیاری از این اشعار از قدما نقل شده در حالی که زبان همواره در حال تغییر است و چه بسا قوانین دستوری به کار رفته در یک شعر قدیمی امروزه دیگر کاربردی نداشته باشد پس شعر مخصوصاً اشعار قدیمی نمی تواند گواه صادقی بر ساخت و کاربرد دستور زبان باشد. مضاف بر اینها شعر زاینده هنر زبان است و در بسیاری از موارد اجزا و ارکان دستوری را در هم می شکند و دستور زبان، مجموعه قرار دادهایی است که به تفهیم و تفاهم بین گوینده و شنونده کمک می کند. حالا اگر گوینده به طور استثنایی در شرایطی قرار گرفت که حس کرد با شکستن این قرار دادها بهتر می تواند با مخاطبش رابطه برقرار کند، حوزه این قرار دادها را به طرز معقولی گسترش دهد چون دستور زبان وسیله است نه هدف. شاعر حق دارد با افزایش حوزه اختیارات خویش به زبان قابلیت بیشتری از آنچه دارد ببخشد. این به معنای قانون شکنی نیست، بلکه تلاشی است برای تکامل بخشیدن به قانون. بنابراین برای قوانین دستوری در هر زمان بهتر است که از زبان رایج میان افراد جامعه در همان زمان شاهد آورد. (باطنی، 1390: 69)

به هر روی، کتاب قوانین دستگیری به لحاظ ذکر شواهد شعری از اکثر شاعران فارسی گوی ایرانی و هندی حائز اهمیت فراوان است. در این کتاب حدود دو هزار بیت آمده که در متن با عناوین «بیت» یا «نظم» و یا

«شعر» مشخص شده است، در اغلب موارد نمونه بیت ارائه شده علاوه بر نکته دستوری مورد نظر، نکته ای اخلاقی و تربیتی را نیز مطرح می کند که مسلماً از ذهن نویسنده دور نبوده و دقت و وسواس قابل تحسین او را در گزینش اشعار نشان می دهد. او که خود نیز قریحه و نوق شعری خوبی دارد برای هر موضوع دستوری بیت یا مصرعی مناسب آن ذکر می کند. در باب ذکر ابیات از همه شاعران گذشته و معاصر خویش شعر نقل کرده در این میان بیشتر از شاعران فارسی زبان و بعضاً سرایندگان هندی ابیاتی را مثال می زند در اندک مواردی هم از ادبیات عرب به ذکر شعر می پردازد. از میان شاعران گذشته بیشتر از سعدی و سپس حافظ و مولوی و همچنین فردوسی بزرگ، مثال آورده است. و از شاعران نزدیک به روزگار مولف نظیر بلکرامی و میرزا جلال اسیر و حزین لاهیجی هم اشعاری را بیان کرده است. از آنجا که حزین لاهیجی بیشتر عمر خود را در هند به سر برده طبیعتاً امکان دسترسی به نسخه های دیوان او در شبه قاره، بیشتر فراهم بوده است به ویژه این که مولف قوانین دستگیری به فاصله کمی از مرگ حزین زندگی می کرده است.

## 2. درباره حزین

تاریخ زندگی حزین لاهیجی، شاعر بزرگ و پرآوازه سبک هندی یکی از پرمجاثرترین تاریخ ها و زمان او یکی از پرآشوب ترین ادوار تاریخ ایران است. نام کامل او محمدعلی و نام پدرش ابی طالب است و در تاریخ دوشنبه 27 ماه ربیع الثانی در سال 1303 ه. ق در اصفهان دیده به جهان گشود. شهرت «لاهیجی» به خاطر انتساب اجداد حزین به لاهیجان است؛ «بعضی با در نظر گرفتن هر دو جنبه او را حزین لاهیجی اصفهانی ضبط کرده اند» (شفیعی کدکنی، 1385: 69) اوضاع اجتماعی در روزگار حزین دوران فتنه افغانها و پایان حکومت صفوی است. در این دوره ایران دچار هرج و مرج و خونریزی است و در آن آشفتگی و بحران، شهر اصفهان از همه جا ویرانتر بوده است. بنابراین حزین همچون بسیاری از ایرانیان ناگزیر به ترک وطن شد و رنج و مشقات فراوانی در این سفرهای طولانی به او رسید. او در سال 1146 هجری پس از آوارگی و بی سرسامانی فراوان ناچار به هند رفت اما بارها و بارها از هند به شکوه آمد و آرزوی رجعت به وطن داشت که هرگز برآورده نشد و در غربت هند در سال 1180 در شهر بنارس بدورد حیات گفت. (صاحبکار، 1387: ده و یازده) اقامت حزین در هند با شاعران همعصرش تفاوت زیادی داشت. او. هرگز در مدح شاه یا وزیری شعری نسرود و علی رغم دارا بودن استعداد فطری و نوق روان جزو معدود شاعرانی است که پس از ورود به هند، هنر خویش را آلوده مداحی پادشاهان نکرده است. همین بلندطبعی و بی نیازی حزین باعث نارضایتی او از هند شد. (همان) و بارها و بارها زبان به شکوه از هند و مردمان آن گشود و همین بدگوییها سرانجام باعث شد که مورد هجوم منتقدان هندی قرار گیرد و و سراج الدین علی خان آرزو کتاب «تنبیه الغافلین فی الاعتراض

علی اشعار الحزین» در نقد شعر او بنویسد و پس از وی نقد و دفاعیه هایی بر شعر حزین نگارش گردد. (شفیعی کدکنی، 1385: 16) حزین در رشته های مختلف علمی روزگار خویش به خصوص در فلسفه و کلام و رجال و تاریخ و اخلاق و منطق و تفسیر و حدیث و فقه و اصول تالیفات بسیاری داشته است. او دارای چهار دیوان شعری می باشد همچنین تنوع و تعدد و گستردگی موضوعات در مکتوبات حزین با توجه به زندگی پر فراز و نشیب و تحمل رنج و درد بیماریها و سفرهای طولانی و نابسامانی وضع اقتصادی او که ثمره پرهیز از دربار پادشاهان است جلوه ای شگفت انگیز دارد. پراکندگی نسخه های دیوان حزین و عدم دسترسی مصححان به آن موجب شده که تصحیح کامل و جامعی تاکنون از شعر او ارائه نگردد.

شعر حزین لاهیجی تاکنون دو بار به دست محققان برجسته ادبیات فارسی تصحیح و چاپ شده است. اولین بار در سال 1342 کتابی منتشر شد تحت عنوان حزین لاهیجی، زندگی و زیباترین غزلهای او. این کتاب به قلم استاد مجتهد شفیعی کدکنی بود که قبل از آن، با نوشتن مقاله ای، نخست در روزنامه خراسان و سپس در مجله خوشه، از یک سرقت شگفت ادبی پرده برداشته بود؛ یعنی سرقت غزلهای حزین لاهیجی به وسیله فردی جوپای نام و در عین حال، خوش سلیقه! (قیامی میرحسینی، 1375: 105) بعدها در سال 1385، ویراست جدید کتاب با عنوان «شاعری در هجوم منتقدان» به چاپ رسید. اولین تصحیح دیوان حزین را بیژن ترقی در سال 1350 انجام داد و در سال 1394 سید وحید سمغانی آن را بازخوانی و ویرایش نموده است. تصحیح دیگر دیوان حزین در سال 1374 و به همت ذبیح الله صاحبکار انجام شده است.

سید جلال قیامی میرحسینی در مقاله ای با عنوان «باخود بسنج وسعت میدان خویش را» نقدی بر دیوان حزین لاهیجی به تصحیح ذبیح الله صاحبکار نوشته است که در آن برخی از نواقص این تصحیح از جمله، نبود شیوه ای واحد در کار تصحیح، شیوه نامعمول تبویب و ضبطهای نادرست پاره ای از ابیات پرداخته شده است.» (قیامی، 1375: 119)

البته ذبیح الله صاحبکار، خود در مقدمه دیوان برخی از دشواریها و مشکلات تهیه نسخ دیوان حزین را بیان کرده است: «مشکلی که در انجام کار وجود داشت دسترسی نداشتن به نسخه ای کامل از آثار این گوینده دانشمند بود. شاید اگر این گره در کار نبود سایر اهل تحقیق پیش از این به انجام این خدمت اقدام کرده بودند همچنین در صفحه 41 صاحبکار مطالبی تحت عنوان تاسف نگارنده به شرح زیر نوشته است: «هنگامی که به گردآوری آثار حزین پرداخته بودم مطلع شدم که مجموعه ای منحصر به فرد و شامل یک هزار و پنجاه بیت از آثار این شاعر که در هیچ جای دیگر نیست در تملک جناب آقای دکتر مصطفی مقرّبی استاد دانشگاه تهران قرار دارد نامه ای به استاد دکتر شفیی کدکنی نوشتم و از ایشان درخواست کردم عکسی از این نسخه برایم تهیه کند .... پس از چندی ظاهراً نتوانسته بودند نسخه را در میان کتابهای خود پیدا کنند. و اکنون که کاری ولو

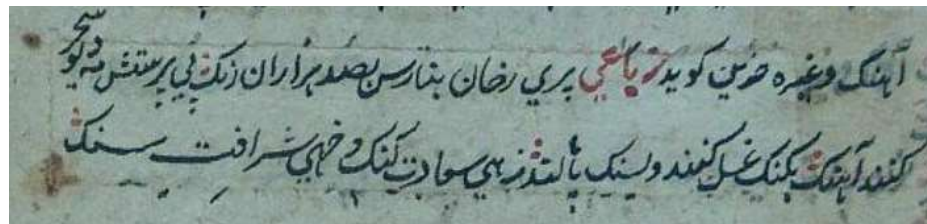
مختصر درباره این شاعر دانشمند انجام می شود کمبود چنین اثری، نقصی بزرگ و جبران ناپذیر است.» (صاحبکار، 1374: 32)

همچنین دکتر عمر کمال الدین کاکوری، استادیار فاسی دانشگاه هندی بنارس در مقاله ای که به یادواره حزین ارسال نموده نسخه جدید و کاملتری از دیوان حزین را معرفی نموده که در اختیار هیچ یک از مصححان شعر او نبوده است: «در کتابخانه مرکزی دانشگاه هندی بنارس در ذخیره لاله سرای رام یک نسخه خطی دیوان چهارم شیخ نگهداری می شود که نسخه ای زیبا و خوش خط و کامل است این نسخه به خط نستعلیق است و کاتب آن جی رام داس فرزند رای منگل سین می باشد. شماره نسخه 19، 1، IL، 192/0164 در 406 برگ است. دو سرلوح رنگی و جداول و عناوین قرمز و آبی است. این نسخه خطی دیوان چهارم شیخ است که چهارمین را در سال 1155/1742 م به پایان رسانیده بود. نسخه به ترتیب الفبایی است در آغاز محتویات نسخه نیز آمده است. یک مهر مشکی و مُدوله نیز دیده می شود، اما خوب. انا نیست فقط همین قدر خوانده می شود: ... حوض کاغذی پادشاهی. در این نسخه که دیباچه نیز نام دارد قصیده ها، غزلها، رباعیها، قطعه ها، تاریخهاو غیره ردیف وار آمده است.» (کمال الدین کاکوری، 1384: 155)

### 3. رباعی نویافته حزین در قوانین دستگیری

این رباعی در مبحث نون غنه به عنوان شاهد مثال آمده است: «نون اصلی که بعد حرف علت واقع شود همچو زمین و زمان و زیون و غیره آن را نون غنه گویند به شرطی که خود ساکن و حرکت ماقبلش موافق حرف علت باشد و در امثله مذکور سکون نون لازم و ضروری است... و اگر نون ماقبل کاف پارسی آید بی آنکه بعد حرف مد و لین ای حرف علت بود در میان کلمه به غنه خوانده شود همچو سنگ و گنگ و آهنگ و غیره، حزین گوید رباعی:

پری رخان بنارس به صد هزاران رنگ  
پی پرستش مه دیو سحر کنند آهنگ  
به گنگ غسل کنند و به سنگ پا مالند  
زهی سعادت گنگ و خهی شرافت سنگ



با بررسی بیشتر این رباعی با ضبطهای متفاوت در دو منبع دیگر به عنوان سروده حزین ذکر شده است که عبارتند از:

خانم شمیم اختر در مقاله ای تحت عنوان «ذکر بنارس در شعر فارسی» نوشته است: شیخ علی حزین یکی از شاعرانی است که مجذوب شهر بنارس و زیبایی های فریبنده آن بود. وی در سال 1167 هجری در بنارس اقامت کرد و نظاره گر مناظر زیبا و مراسم تطهیر هندوان در آب گنگ که آن را اشنان نامند، شد. علاوه بر این وی با مشاهده دیگر مراسم هندوان چنان تحت تأثیر قرار گرفت و مجذوب شیفتگی های این سرزمین شد که اشعار بسیاری را در وصف و ستایش آنها سرود:

پری رخان بنارس هزار رنگارنگ      پی پرستش مه دیو چون کنند آهنگ  
 پا به سنگ مالند و تن در آب شویند      خوشا شرافت سنگ و خوشا طراوت گنگ

(اختر، 1371: 113)

قابل ذکر است که رود خروشان گنگ به معنای تندرو که در بخش بزرگی از هندوستان جریان دارد، از تقدس بالایی برخوردار است و غسل کردن در آن، به خصوص در شهر بنارس (Benares) عبادتی مهم شمرده می شود.

سید عین الحسن از اساتید دانشگاه دهلی نو در مقاله ای با عنوان «شیخ علی حزین و شیوه سخنوری وی» به نقل از کتاب صبح بنارس نوشته عشرت کرتپوری، رباعی مذکور را به صورت زیر بیان کرده است:

پری رخان بنارس هزار رنگارنگ      پی پرستش مه دیو چون کنند آهنگ  
 به گنگ غسل کنند و به سنگ پا مالند      زهی شرافت سنگ و زهی لطافت گنگ

(عین الحسن، 1384: 29)

به نظر نگارنده از بین سه ضبط متفاوت این رباعی، ضبط قوانین دستگیری معتبرتر است به دو دلیل:

1 - نویسنده قوانین دستگیری به فاصله اندکی (25 سال) پس از حزین می زیسته بنابراین نسخه ای که در اختیار داشته به روزگار شاعر نزدیکتر و قابل اعتماد بیشتر است.

- 2- کاربرد صوت تحسین «زهی» و «خهی» در شعر بسیاری از شاعران دیگر به کار رفته<sup>1</sup> و علاوه بر اینکه موسیقی بیت را قوت می بخشد ملالت تکرار یک کلمه را در یک مصرع کاهش می دهد.

انوری

ماجرای سفر حزین به هند از جنبه های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است در مقدمه دیوان حزین تصحیح بیژن ترقی چنین آمده است:

«سفر به هند، سفری است که حزین بارها و بارها در اشعارش از آن به شکوه آمده و آرزومند رجعت به وطن و مرگ در جوار حرم امام علی علیه السلام است.

حزین دلباخته اصفهان و مردمانش است به همین خاطر گاه از جانب تعصب به آن می نگرد، آبادانی شهر اصفهان و مردم هنر دوستش در بیزاری او از هند بی تأثیر نیست. (حزین لاهیجی، 1394: هفت)

صاحبکار هم در مقدمه دیوان به این موضوع اشاره کرده و می نویسد: «حزین با اندوخته فراوان از دانش و تجربه و هنر می توانست در شبه قاره هند، زندگی آرامی داشته باشد اما شاعر دانشمند و رنج دیده نتوانست روحیه خود را با هند و مردم آن سرزمین سازش دهد. او بسیاری از امیران و شاعران و صاحبان زرو و زور را هجو گفت و از هند با عناوین دیولاخ، ظلمتکده، هند جگرخوار نام برد و به همین سبب مخالفتی برای خود برانگیخت تا آنجا که ناچار شد دهلی را ترک گوید.» (حزین لاهیجی، 1374: 20)

استاد شفیع کدکنی هم درباره اقامت حزین در هند به شرح زیر سخن گفته اند:

«حزین وقتی تحت تاثیر فشارهای سیاسی زمانه ناچار به ترک ایران شد و در «بنارس» هند رحل اقامت افکند با همه حرمتی که از جانب ادیبان هندی نثار او می شد قدری رعونت از خود نشان می داد و آنها را با آن همه شعر های نغز و با آن همه خدمات بزرگ به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تحقیر می کرد به بهانه این که زبان اصلی اینها فارسی نیست ادیبان هندی که هر کدام به جای خود شاعری بزرگ و ناقدی برجسته و دانشمند بودند تا مدتی این دعوی حزین

<sup>1</sup>- به عنوان مثال در شعر انوری:

زهی بیان تو اسرار غیب را حاکی خهی بنان تو آثار جود را

تفسیر

(انوری، 1364: 163)

را تحمل کردند ولی سرانجام به علت ایرادهایی که حزین بر شعر ایشان می گرفت ناچار به

دفاع از خود و متقابلاً نقد اشعار حزین شدند.» (شفیعی کدکنی، 1385: 16)

همچنین عباس هاشم زاده محمدیه در مقاله ای با عنوان «حزین در هند» مفصلاً موضوع اقامت حزین در هند را بررسی نموده است: « مهاجرت وی به هند در درجه نخست ناشی از اوضاع ایران و واکنشهای ناراضیتمندانه وی به عنوان یک نخبه در برابر آن اوضاع و از جمله ناشی از خطری بود که وی در سال 1146 به خاطر اتهامات (خواه درست و خواه نادرست) وارد شده به خود از جانب حکومت احساس میکرد. وضع طبقاتی و هواداریش از صفویه و نیز وضع مالی او و از بین رفتن حمایت مالی طهماسب دوم از وی نیز میتواند در مهاجرت وی دخیل شمرده شود. بدگویی حزین از اوضاع و حاکمان، از جمله اوضاع و حاکمان هند متأثر از اوضاع نامطلوب ایران و هند در آن زمان از نظر وی بود. تحلیلها فردگرایانه از این موضوع که در آنها سخن از نمک‌شناسی و عنادورزی و چیزهایی از این قبیل به میان است، تحلیلهایی

همه سویه نگرانه به نظر نمی رسد. انتقادات تند حزین از اوضاع را نابسامانی اوضاع، دانش و بینش منتقد و از سوی دیگر ویژگیهایی مانند ضعف مزاج، افسردگی، و نوق و سلیقه طبقاتی و فردی او پدید آورد. پیداست که منظور از تحلیل بالا، تجلیل از نحوه بیان بدگوییهای حزین از هند نیست. این دو، به هر علتی مذموم و با ذکر عیب و هنر به شکلی معتدل متفاوتند. در مقابل بدگوییهای حزین در زمان او، واکنشهایی نشان داده شد، اما در کنار آن، حتی هندوهای زمانه اش، او را به گرمی، گرمی داشتند. خرده گیریهای این منتقد تند نیز، به ویژه در حوزه نخبگان سیاسی به هند محدود نمی شد.» (هاشم زاده محمدیه، 1388: 143-144)

و در باب انتخاب شهر بنارس به عنوان محل همیشگی سکونت حزین، می نویسد: حزین تا قبل از رحل اقامت افکندن در بنارس (1163 ه.ق) بیشتر در مولتان، لاهور، دهلی، و عظیم آباد زیست. به شهرهایی مثل اکیرآباد (آگره) هم سفرهایی داشت. حزین سالیانی زیاد از مدت اقامت خود را در هند، در بنارس زیست (1163 - 1180 ه.ق) این شهر در آن زمان جزئی از «اوده» به شمار می رفت. «راجه بلونت سینگ» حاکم آنجا بسیار به حزین علاقه داشت و به او احترام می گذاشت، نیازهایش را برآورده می کرد و به ملاقاتش می رفت. حزین نیز صمیمانه به ملاقات او می رفت.

در پاسخ به این پرسش که چرا حزین در اواخر عمر از میان همه شهرهای هند بنارس را برای سکونت انتخاب کرد؟ می توان دلایل ذیر را برشمرد:

1. بنارس در زمانی که حزین در آن می زیست، بخشی از قلمرو حکمرانان اوده به شمار میرفت. از شجاع النوله (1167-1188 ق) که خود فرزند ابو المنصور صفدر جنگ نیشابوری بود، در مآذی معتبر به عنوان شخصی یاد شده است که به حزین احترام میگذاشت و در صدد بود تا خدمتی به وی انجام دهد. حمایتهای شخص مزبور نیز از حزین در انتخاب بنارس توسط وی مؤثر بوده است

2. . حزین فردی عزلت طلب و منزوی و در عین حال به عنوان یک عالم و شاعر مهم مورد توجه بود. به احتمال، این حالت در وی در اواخر عمرش شدت یافته است. بنارس در این زمان، در مقایسه با شهرهایی، مثل فیض آباد، مرکز حکومت شجاع الدوله در استان اوده، و شهرهای بنگال، مثل مرشدآباد و عظیم آباد، مملو از ایرانیها نبود. دهلی نیز در این زمان، ضمن این که ایرانیانی در آنجا بودند، اغلب در معرض حمله و تهدید احمدشاه درانی (1160-1186) بود بنابراین حزین در بنارس از معاشرت مردم دامن افشاند و مسکن گزید.
3. . بنارس برای کسب خیر از اوضاع ایران هم شهری مناسب بود و در مسیر شهر فیض آباد و لکنو، از شهرهای مهم قلمرو حکومت شیعی اوده، که در این زمان از مقصدهای مهم مهاجران ایرانی به هند بودند، قرار داشت.
4. . در اوضاع ناآرام آن روزگار هند، بنارس از شهرهایی بود که به نسبت از صحنه ناآرامی‌ها دور بود.

به هر روی، حزین تا پایان عمر در بنارس زیست و سرانجام در سال 1180 قمری در آنجا درگذشت و در همانجا در محلی که خود از پیش آماده کرده بود، مدفون شد و آرامگاهش زیارتگاه گردید. (همان: 141-139)

### نتیجه گیری

پیدا شدن برخی نسخ خطی ها و سفینه جنگ، ها در کتابخانه های نقاط مختلف دنیا، نیاز به گردآوری و تصحیح مجدد دیوان بسیاری از شاعران را به عنوان امری ضروری اثبات نموده است. کتاب قوانین دستگیری که در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد پاکستان نگهداری می شود از این منظر قابل توجه است. از آنجا که در این دست نوشته، شواهد شعری فراوان از شاعران گوناگون ایرانی و هندی بیان شده است ابیاتی از شاعران مختلف آمده که در دیوان تصحیح شده شاعر موجود نیست در این مقاله یک رباعی منسوب به حزین که در توصیف مراسم تطهیر هندوان سروده شده بود و در دیوان شاعر بیان نشده بود به نقل از قوانین دستگیری معرفی شد. نظر به این که حزین بیشتر عمر خود را هند و سالهای زیادی در بنارس گذرانده دسترسی به نسخه های کاملتر و بیشتر از شعر حزین در شبه قاره آسان تر بوده و سندیت ابیات معتبرتر خواهد بود. ضبط متفاوت این رباعی در دو مقاله دیگر هم بررسی و نمونه ذکر شده در قوانین دستگیری با ذکر دلیل به عنوان ضبط مختار در نظر گرفته شد.

### منابع

- ##-اختر، شمیم، (1371) ذکر بنارس در شعر فارسی، قند پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره 17 صص 112 تا 132.
- ##-انوری، اوحدالدین محمد (1364) دیوان انوری، مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، چاپ سوم، تهران: سکه، پیروز.
- ##-باطنی، محمد رضا (1370) نگاهی تازه به دستور زبان، تهران: آگه.
- ##-حزین لاهیجی (1362)، دیوان حزین لاهیجی (به ضمیمه تاریخ و سفرنامه حزین)، با تصحیح، مقابله و مقدمه بیژن ترقی، چاپ دوم (چاپ اول 1350) تهران: کتابفروشی خیام.
- ##------ (1374) دیوان حزین لاهیجی، به تصحیح ذبیح الله صاحبکار، چاپ اول، تهران: سایه.
- ##-دستگیر، غلام (1265ه) قوانین دستگیری، نسخه دست نویس موجود در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ##-شفیعی کدکنی (محمد رضا) (1385) شاعری در هجوم منتقدان (نقد ادبی سبک هندی پیرامون شعر حزین لاهیجی)، چاپ دوم، تهران: آگه.
- ##-عین الحسن، سید (1384) شیخ علی حزین و شیخ سخنوری وی، فصلنامه فرهنگ و زبان و ادب فارسی (یادواره حزین) شماره 29-30، صص 29-40.
- ##-فرشیدورد، خسرو (1382) دستور مفصل امروز، چاپ اول، تهران: سخن.
- ##-قیامی میرحسینی، سید جلال (1375)، با خود بسنج وسعت میدان خویش را (نقدی بر دیوان حزین لاهیجی به تصحیح ذبیح الله صاحبکار، مجله مشکوة، شماره 52، صص 105 تا 128
- ##-کمال الدین کاکوری، عمر (1384) معرفی یک نسخه خطی دیوان حزین، فصلنامه فرهنگ و زبان و ادب فارسی (یادواره حزین) شماره 29-30، صص 155-160.
- ##-هاشم زاده محمدیه، عباس (1388) حزین لاهیجی در هند، تاریخ ایران، شماره 60/5، صص 146-121.